

خوشا آنان که دائم در نمازند

خوشا آنان که دائم در نمازند
بهشت جاودان بازارشان بی



محمد تقی صرفی پور



بعد از حمد و شکر خداوند حکیم و صلوات و درود بر
محمد و آل طاهرینش.

مهم ترین ویژگی مردان خدا، نمازهای عاشقانه آنان است.

**و اصلاً نمازهای عاشقانه باعث شد که آنان در
درگاه الهی به درجات بالا برسند. و این نشان
می دهد که کسی می خواهد عزیز درگاه
الهی شود باید به نماز توجه ویژه نماید و
هیچگاه از نماز جدا نشود که فرمود:**

¹الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ

همانان که بر نماز خود مداومت می کنند ،

در این کتاب به ابعاد مختلف نماز پرداخته می شود.

کرمانشاه - تابستان 96

علی علیه السلام در نماز بیهوش می شود

ابودردا می گوید: روزی در یکی از نخلستان های اطراف مدینه جسد علی علیه السلام را دیدم که مانند چوب خشک بر زمین افتاده است. او به خیال این که حضرت علی علیه السلام از دنیا رفته است برای خبر دادن واقعه به خانه آن حضرت آمد و به حضرت فاطمه زهرا علیه السلام درگذشت همسرش را تسلیت گفت. فاطمه زهرا علیه السلام فرمود: پسر عموی من نمرده است. بلکه در حال عبادت از خوف خدا غش کرده است و این حال برای او بسیار اتفاق می افتد^۲

قال الصادق (علیه السلام):

ان علیا فی اخر عمره یصلی فی کل یوم و لیلة الف رکعة .

^۲. لطایف الابرار، ص 17

علی (علیه السلام) در آخر عمر خویش ، شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد.^۳

امام باقر(ع) فرمودند: امام سجاد(ع) در هر شب و روز هزار رکعت نماز می خواند آن چنانکه حضرت امیر(علیه السلام) انجام می داد، و برای آن حضرت پانصد نخله خرما بود که نزد هر یک از آن نخله ها دو رکعت نماز بجا می آورد.^۴

بیرون آوردن تیر از پای علی علیه السلام در حال نماز

ینسب الی مولانا امیرالمؤمنین (علیه السلام) آنه وقع رجله نصل ، فلم یکن من اخراجه . فقالت فاطمة (علیه السلام) اخر جوه فی حال صلوته ، فانه لا یحس بما یجری علیه حیثئذ. فاخرج و هو (علیه السلام) صلوته .

^۳علامه مجلسی، بحارالانوار، انتشارات اسلامیة، تهران ۱۳۶۳ ش، ج ۴۱. ص 23

علامه مجلسی، بحارالانوار، انتشارات اسلامیة، تهران ۱۳۶۳ ش، ج ۴۱. ص 15

در مورد حضرت علی (علیه السلام) آمده است که در یکی از جنگ ها تیری به پای آن حضرت فرو رفته بود و بیرون آوردن آن ممکن نمی شد. فاطمه (علیه السلام) فرمود: آن را در حال نماز از پایش بیرون آورید؛ زیرا در آن حال، آنچه را بر او می گذرد، احساس نمی کند. بر اساس سفارش فاطمه (علیه السلام) هنگامی که امام مشغول نماز بود، تیر را از پایش بیرون کشیدند.⁵

عن ابی عبدالله (علیه السلام):

كان علی یركع فیسيل عرقه حتی یطافی عرقه من طول قیامه

.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) رکوع نماز را آن قدر طولانی می کرد که عرق از ساق پای وی جاری و زیر قدم های مبارکش می شد.

⁵ دیلمی، ارشاد القلوب ج 2، ص 25 و 26، انتشارات ناصر، قم، چاپ اول، 1376

، شیخ مفید فرمودند

دلیل اینکه حضرات معصومین و بعد تالی تلو معصوم و اولیاء

خدا در هنگام نماز می لرزند و می ترسند، دو مطلب است:

1. یک دلیلش، اتصال است؛ چرا که نماز، معراج مؤمن

است «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ» و این ها دارند با خدا حرف

می زنند.

2. دیگر اینکه می دانند در اتصال، اگر یک لحظه غفلت

کنند، دیگر حضور قلب ندارند

لذا می ترسند که اگر یک لحظه غافل شوند، شیطان حتی به

نمازشان هم وارد می شود. گرچه شیطان با معصومین و حتی

تالی تلو معصوم هم نمی تواند کاری داشته باشد (آن شهاب

مبین ها نمی گذارند که شیطان وارد شود)، اما خودشان

می ترسند، چرا که شیطان با این که نمی تواند ورود پیدا

کند، اما به اولیاء خدا هم طمع دارد. لذا این ها می ترسند

پس دلیل این اشک و ناله و فغان، دو وجه است، یکی اینکه

وقتی به پروردگار عالم می رسند و می بینند که پروردگار

عالم اجازه داده که با او حرف بزنند؛ اشک شوق می ریزند و یکی هم این که می ترسند که نکند غفلت کنند و شیطان آن‌ها را فریب دهد^۶.

از کنیز امیرالمؤمنین، (ام سعید) پرسیدم که امیرالمؤمنین در ماه رمضان چگونه و چه مقدار نماز می خواند؟ او گفت: رمضان و شوال حضرت فرقی نداشت؛ او تمام شب را به نماز خواندن می گذراند.

همچنین از خصال نقل می کند و در نهج البلاغه نیز همین مضمون وارد شده است به سندی از نوف بکالی:

نوف می گوید: یک شب تا صبح در خدمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیدار بودم. دیدم حضرت تمام شب را به نماز گزارد، و هر ساعت بیرون می رفت و نگاه به آسمان می نمود و قرآن تلاوت می کرد. او گفت: پس از آن که سکوت شب فراگیر شد، امیرالمؤمنین علیه السلام از کنارم

گذشت و فرمود: ای نوف! خوابی یا بیدار؟ گفتم: بیدارم یا
امیرالمؤمنین! و توجهم کاملاً به شما است

فرمود: ای نوف! خوشا به حال آنان که از دنیا بریدند، و به
آخرت دل بستند. آنهایی که زمین را برای خود فرش و
خاکش را زیرانداز و آب آن را بهترین خوراک و قرآن را
زینت و لباس و دعا را شعار خود قرار دادند و چنان از دنیا
دل کردند که عیسی بن مریم علیه السلام دل برید^۷

در حالات عالم بزرگوار حجة الاسلام شفتی

این عالم بزرگوار و شخصیت ربّانی پیوسته خود را در
محضر باری تعالی می دید و چیزی او را از حالت حضور و
مراقبت، باز نمی داشت. گوشه های چشم او از کثرت
گریستن در مقام تهجد مجروح شده بود! یکی از نزدیکان
این بزرگوار گفته است: با آن مرحوم به یکی از روستاها
:رفتم، شب را در راه گذرانیدیم، سید به من فرمود

نمی خوابی؟ سپس برخاست و مشغول نماز شد. به خدا «
سوگند دیدم بندهای دوش و اعضایش می لرزید، به طوری
که کلمات نماز را از شدت حرکت فکین و اعضاء مکرر
»! می نمود تا آن را صحیح ادا کنید

گویند از شدت حضور قلبی که در پیشگاه خداوند داشت،
بندهای دوشش می لرزید و به محض اینکه مجلس از مردم
! خالی می شد، اشکش جاری می گشت

این بزرگوار نیمه شب تا صبح به گریه و زاری و تضرع
اشتغال داشت و در صحن کتابخانه اش مانند افراد مجنون،
حرکت می کرد و دعا و مناجات می خواند و تا صبح بر سر
و سینه می زد! چنان صدای گریه او بلند بود که اگر
. همسایگان بیدار می شدند، می شنیدند

بالاخره از کثرت گریه و زاری در اواخر عمر بیمار شده و
پزشکان او را از گریه منع کردند و گفتند گریستن بر شما
. حرام است: زیرا موجب افزایش بیماری خواهد شد

هنگامی که سید به مسجد می رفت تا وقتی که در مجلس حضور داشت ذاکرین منبر نمی رفتند و اگر اتفاقاً در حضور او ذاکری بالای منبر می رفت، او بر نمی خاست و باز گریه می کرد.

در حالات حاج شیخ حسنعلی اصفهانی (معروف به (نخودکی
آقای نظام التولیه - سر کشیک آستان قدس رضوی - نقل
کرد که:

نوبت کشیک من بود. اول شب خادمان آستان مبارک حضرت رضا علیه السلام به من مراجعه کردند و گفتند به علت سردی هوا و بارش برف زائری در حرم نیست، اجازه دهید حرم را ببندیم، من نیز به آنها اجازه دادم. مسئولین، درها را بستند و کلیدها را آوردند. مسئول بام حرم مطهر آمد و گفت: حاج شیخ حسنعلی اصفهانی از اول شب تا کنون بالای بام و در پای گنبد مشغول نماز می باشند و

مدّتی است که در حال رکوع هستند، اگر اجازه دهید به ایشان عرض کنیم که می خواهیم درها را ببندیم

گفتم: خیر، ایشان را به حال خود بگذارید، و مقداری هیزم در اطاق پشت بام، که مخصوص مستخدمین است، بگذارید که هرگاه از نماز فارغ شدند استفاده کنند و درِ بام را نیز ببندید.

مسئول مربوطه مطابق دستور عمل کرد و همه به منزل رفتیم. آن شب برف بسیاری بارید. هنگام سحر که برای باز کردن درهای حرم مطهر آمدیم، به خادم بام گفتم برو بین حاج شیخ در چه حالند. پس از چند دقیقه خادم مزبور بازگشت و گفت: ایشان همان طور در حال رکوع هستند و پشت ایشان با سطح برف مساوی شده است. معلوم شد که ایشان از اول شب تا سحر در حال رکوع بوده اند و سرمای شدیدِ آن شب سخت زمستانی را هیچ احساس نکرده اند، نماز ایشان هنگام اذان صبح به پایان رسید

معاویه به ضرار بن ضمره گفت: «علی را برای من
توصیف کن.» گفت: علی را در بعضی مواقف
دیدم که در تاریکی شب، در محراب عبادت
ایستاده بود. ریش خود را در دست گرفته و
همانند انسان مارگزیده به خود می پیچید و زار
زار می گریست و می فرمود: «ای دنیا! از من دور
شو! آیا به سوی من می آیی؟ وقت تو نیست!
هیئات! غیر مرا فریب بده! من به تو نیاز ندارم! تو
را سه طلاقه کردم! زندگی تو، کوتاه و ارزش تو،
کم و آرزوی من نسبت به تو، اندک است! آه از
کمی توشه و طول سفر و مقصد بزرگ و
«!دشواری های جایگاه»^۸

یکی از طلاب می گوید:

شبی برای عبادت از خواب برخاستم ناگهان شنیدم که در و دیوار مدرسه (مدرسه صدر اصفهان) و سنگریزه‌ها و درخت‌ها ذکر می‌گویند. مشغول تحقیق شدم وقتی که نزدیک حجره‌ی آخوند کاشی قدس سره رسیدم، دیدم محاسن سپیدش را روی خاک گذاشته و از دو دیده‌اش اشک می‌بارد و می‌گوید: «سبح قدوس رب الملائكة و الروح» و در و دیوار مدرسه و... به دنبال او این ذکر را می‌گویند.

فردای آن شب خدمت استاد رسیدم و داستان دیشب را عرض کردم و گفتم: ماجرای دیشب مرا سخت به تعجب واداشت.

آخوند کاشی قدس سره در کمال سادگی گفت:

تعجب از کار تو است که به چه علت گوش تو باز شد و این صداها را شنیدی، هان! تو چه کرده‌ای که در برابر این برنامه توفیق شنیدن یافتی؟ [1].

[1] عرفان اسلامی، ج 5، ص 167 - نقل شده در هزار نکته درباره نماز، ص 179.

مگر ماهی از شنا خسته می شود که من از نماز خسته شوم

علامه امینی قدس سره مدت سه شب در حرم امام رضا علیه السلام بود و هر شب هزار رکعت نماز می خواند به او گفتند: شما خسته نمی شوید؟ فرمود: مگر ماهی از شنا خسته می شود که من از نماز خسته شوم؟! [1]

[1] هزار و یک نکته درباره نماز، ص 260.

نماز خربزه ای!

از عالم بزرگوار رسید عالیمقدار امام جمعه بهبهانی (اسم شریفش را نیز نقل فرمود ولی بنده فراموش کرده ام) که در اوقات تشریف به مکه معظمه روزی به عزم تشریف به

مسجدالحرام و خواندن نماز در آن مکان مقدس از خانه
خارج لطف خدا و ناسپاسی بنده شدم، در اثنای راه، خطری
پیش آمد و خداوند مرا از مرگ نجات داد و با کمال
سلامتی از آن خطر رو به مسجد آمدم، نزدیک در مسجد،
خربزه زیادی روی زمین ریخته بود و صاحبش مشغول
فروش آنها بود، قیمت آن را پرسیدم گفت آن قسمت، فلان
قیمت و قسمت دیگر ارزانتر و فلان قیمت است، گفتم پس
.از مراجعت از مسجد می خرم و به منزل می برم
پس به مسجدالحرام رفتم و مشغول نماز شدم، در حال نماز
در این خیال شدم که از قسمت گران آن خربزه بخرم یا
قسمت ارزانترش و چه مقدار بخرم و خلاصه تا آخر نماز
در این خیال بودم و چون از نماز فارغ شده خواستم از
مسجد بیرون روم، شخصی از در مسجد وارد و نزدیک من
آمد و در گوشم گفت خدایی که تو را از خطر مرگ،
امروز نجات بخشید آیا سزاوار است که در خانه او نماز

خربزه ای بخوانی؟

فورا متوجه عیب خود شده و بر خود لرزیدم، خواستم
دامنش را بگیرم او را نیافتم،^۹

نماز خونی!

در کتاب قصص العلمای مرحوم تنکابنی، صفحه 311 می
گوید: و از جمله کرامت سید رضی - علیه الرحمه - آن
است که در وقتی از اوقات سید رضی نماز خود را به
برادرش سید مرتضی علم الهدی - علیه الرحمه - اقتدا کرد
چون به رکوع رفتند سید رضی نمازش را فرادا خواند و
اقتدا را منقطع ساخت، پس از وی سؤال کردند از سبب
انفراد، در جواب فرمود که چون به رکوع رفتم دیدم که
امام جماعت که برادرم سید مرتضی باشد در مسئله ای از
حیض فکر می نماید و خاطرش بدان متوجه است و در
دریای خون غوطه ور است، پس نماز خود را فرادا کردم

^۹داستانهای شگفت

و در بعضی از کتب است که جناب سید مرتضی فرموده
بود: «برادر م درست فهمیده پیش از آمدن برای نماز، زنی
مسئله ای از حیض از من پرسش نمود و من در خیال جواب
آن فرورفته بودم و از این جهت برادر م مرا در دریای خون
». غوطه ور دید!

در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام مروی است که
ممکن است شخصی پنجاه سال نماز خوانده باشد ولی دو
رکعت نماز پذیرفته شده نداشته باشد. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
» صَلَوةٍ لَا تُرْفَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ

❁ باید خیلی ممنون باشیم

میرزای قمی (رحمت الله علیه) گفته: «خدا اگر بر همین
#نمازها و عبادت های ما، ما را #عقاب نکند، باید خیلی

ممنون باشیم! چون وقتی یک شرط را حفظ میکنیم، شرط دیگر از دست ما می رود و وقتی شرط دیگر را حفظ می کنیم یکی دیگر از دست ما می رود^{۱۰}.

بیانات سراسر حکمت و عرفان آیه الله بهجت (ره) در باب نماز که از لابلای سخنرانی ها، کتاب ها و فیلم های موجود جمع آوری و به حضورتان تقدیم می گردد.

- نماز، بالاترین وقت ملاقات و استحضار و حضور در محضر خدا است... نماز برای خضوع و خشوع جعل (قرار داده) شده است با همه مراتب خضوع و خشوع (1).
- نماز، جامی است از اَلَّذِیْ لَدَیْهِ [لَدَّتْ بخش ترین لذتها] که (2)! چنین خمیری خوشگوار در عالم وجود نیست

نماز، اعظم مظاهر عبودیت است که در آن، توجه به حقّ -
(3). می شود

تمام لذت ها روحی است؛ و آنچه از لذات که در طیب -
[عطر] و یا از راه نساء به صورت حلال تکویناً مطلوب
(4). است، بیش از آن و به مراتب بالاتر، در نماز است

قُرب، مراتبی دارد و بالاترین آنها لقاء است. و هر مرتبه از -
(5). مراتب قُرب را مقربّی است که بالاترین آنها نماز است

نماز، عروج مؤمن است و عروج، مستلزم قرب و لقاء -
است... مؤمن بعد از لقای او، نه تنها به سراغ حبشیه [زن
زشت، کنایه از غیر خدا] نخواهد رفت، که خیال او را هم
(6). نخواهد کرد

ما عظمتی نداریم، همین اندازه عظمت داریم که می -
ایستیم؛ بعد همین را در رکوع، نصفه می کنیم؛ و بعد به
(7). سجده و خاک برمی گردیم

شاید حکمت تکرار نماز - علاوه بر تثبیت - سیر باشد؛ به -
این نحو که هر نمازی از نماز قبلی بهتر، و نماز قبلی زمینه
(8). ساز نماز بعدی باشد

قیام بنده در نماز، اظهار عبودیت و سکون است، و این که -
هیچ حرکتی از خود ندارد؛ و سجود غایت خضوع
(9). است

اجمالاً بفرمایید حضور قلب، چگونه حاصل می **:سؤال -**
شود؟

بسمه تعالی، اگر مقصود، حضور قلب است، با **:جواب**
نوافل و عبادات مستحبّه تحصیل می شود و از آن جمله،
تبدیل فرادا به جماعت است. تحصیل حضور قلب به این
می شود که در اوقات غفلت به خود فشار نیاورد؛ و در
(10). اوقات حضور، اختیاراً آن را از دست ندهد

برای حضور قلب در نماز و تمرکز فکر، **:سؤال -**
دستورالعملی بفرمایید؟

بسمه تعالی، در آنی که متوجه شدید، اختیاراً: **جواب**
منصرف نشوید! (11) - اصلاح نماز، مستلزم اصلاح ظاهر و
باطن و دوری از منکرات ظاهریه و باطنیه است. و از راه
های اصلاح نماز، توسل جدی در حال شروع به نماز به
(12). حضرت ولی عصر (عج) است

(13)! گوی سبقت را نماز شب خوان ها ربودند مخفیانه -

برای توفیق نماز شب چه کنیم؟: **سؤال** -
با قرائت آیه آخر کهف و اهتمام به این امر اگر **جواب**
علاج نشد، تقدیم بر نصف می شود [قبل از نیمه شب به جا
(14) آورده می شود.]

در نماز شب و سحرخیزی، قدری کسل هستم،: **سؤال** -
لطفاً راهنمایی فرمایید؟

بسمه تعالی، کسالت در نماز شب به این رفع می **جواب**
شود که بنا بگذارید هر شبی که موفق (به خواندن آن
(15). نشدید)، قضای آن را به جا آورید

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ » از آیه شریفه -
وَالْمُنْكَرِ؛ (عنکبوت/45) نماز، انسان را از کارهای زشت و
لَا صَلَاةَ لِمَنْ) ناپسند باز می دارد. « استفاده می شود که
لَا يَتَنَاهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ کسی که از کارهای زشت
و ناپسند خودداری نمی کند، واقعاً نمازش نماز
(نیست!) (16)

این احساس لذت در نماز، یک سری مقدمات خارج از -
نماز دارد، و یک سری مقدمات در خود نماز. آنچه پیش از
نماز و در خارج از نماز باید مورد ملاحظه باشد و عمل شود
این است که: انسان گناه نکند و قلب را سیاه و دل را تیره
نکند.

معصیت، روح را مکدر می کند و نورانیت دل را می برد. و
در هنگام خود نماز نیز انسان باید زنجیر و سیمی دور خود
بکشد تا غیر خدا داخل نشود یعنی فکرش را از غیر خدا
(17). منصرف کند

یکی از عوامل حضور قلب این است که: در تمام بیست و -
چهار ساعت، باید حواسّ (باصره، سامعه و ...) خود را
کنترل کنیم؛ زیرا برای تحصیل حضور قلب، باید مقدماتی
را فراهم کرد! باید در طول روز، گوش، چشم و هم چنین
(18)! سایر اعضا و جوارح خود را کنترل کنیم

اگر بدانیم اصلاح امور انسان به اصلاح عبادت، و در -
رأس آنها نماز است، که به واسطه خضوع و خشوع و آن
(19)! هم به اعراض از لغو محقق می شود، کار تمام است

همین نماز را که ما با تهدید به چوب و تازیانه و عقوبت -
جهنمی شدن در صورت ترک آن، انجام می دهیم، آقایان
(20)! [اولیاء] می فرمایند: از همه چیز، لذیذتر است

همین امور ساده و آشکار مثل نماز، بعضی را بر سماوات -
می رساند، و برای عده ای هیچ خبری نیست! برای بعضی
اعلی علّین است، و برای بعضی هیچ معلوم نیست که آیا
(21)! این معجون، شور است و یا شیرین

می خواهیم در نماز، تمام اذکار را درک کنم و **:سؤال -**
بفهمم، و آن نور را درک کنم و بینم تا با آن نور حرکت
کنم.

بسمه تعالی، با شرایط حضور قلب، اعمالتان را **:جواب**
انجام بدهید؛ در پاداش چه خواهند کرد، به ما مربوط
(22)! نیست

سجده، غایت خضوع است؛ یعنی ما هیچ و در پیش تو -
(23). خاک هستیم

برای این که در انجام فرمان الهی مخصوصاً نماز، **:سؤال -**
با خشوع باشیم، چه کنیم؟

در اول نماز، توسل حقیقی به امام زمان (عج) کردن **:جواب**
که عمل را با تمامیت مطلقه [به طور کامل] انجام
(24). بدهید

:سؤال -

مستدعی است جمله کوتاه و رسایی درباره نماز، مرقوم
فرمایید که نصبُ العین ما قرار گیرد

جواب:

بسمه تعالی، از بیانات عالیّه در فضیلت نماز در مرتبه عُلیّا،
(: کلام معروف از معصوم (علیهم السلام) است

الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ؛ نماز، معراج مؤمن است.) برای
کسانی که یقین به صدق این بیان نمایند و ادامه دهند طلب
(این مقام عالی را ... (25)

اگر کسی با وجود این همه مشوّقات از قرآن و اخبار برای -
سیر و کمال، از آنها بهره مند نشود، در عقل او خلل است...
نماز خواندن برای اهلش مانند حلوا خوردن است؛ لذا از
(26). نماز خواندن، خسته نمی شوند

:در کلمات امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز آمده است -
وَأَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ؛ بدان که تمام ()
اعمال، تابع نماز می باشد.) مشاهده کرده ایم که علمای

بزرگ در حال نماز، عجیب و غریب بودند، به گونه ای که
(گویا آن انسان خارج از نماز نیستند!) (27)
« از حدیث -

تَنْعَمُوا بِعِبَادَتِي فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ تَتَنَعَّمُونَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ

در دنیا به عبادت من متنعم شوید، زیرا در آخرت، به همان
متنعم خواهید بود.» بر می آید که عبادات، قابلیت تنعم را
دارد؛ ولی ما عبادات را به گونه ای به جا می آوریم که
گویا شلاق بالای سر ما است... گویا داروی تلخی را از
(28). روی ناچاری می خوریم

سؤال -

گاهی اوقات در عبادات، ریا می کنم و بعداً سخت رنج می
برم؛ علاج آن چیست؟

جواب:

بسمه تعالی، علاج، این است که ریا بکند؛ ولی اگر در

«مقابل شاه و گدا است، ریا برای شاه بکند؛

فَافْهَمَ إِنْ كُنْتَ مِنْ أَهْلِهِ؛ این نکته را دریاب، اگر اهلش

هستی!» (29) - معیار اصلی، نماز است. این نماز، بالاترین

ذکر است، شیرین ترین ذکر است، برترین چیز است... همه

چیز تابع نماز است؛ باید سعی کنیم این نماز را حسابی

درستش کنیم... وقتی نماز درست شد، با حال گشت، انسان

(30)! آدم شده است. بالاخره محک، نماز است

وقتی بنده از پیشگاه مقدس حضرت حق باز می گردد، -

اولین چیزی را که سوغات می آورد،

سلام از ناحیه او است. در دعای مسجد کوفه آمده است:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ، وَيَعُودُ

السَّلَامُ، حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ السَّلَامُ؛ خداوندا، تو خود سلامی و

سلام از ناحیه تو است و به سوی تو باز می گردد.

پروردگارا، ما را به

(31)! سلام از ناحیه خود تحیت گوی

- چقدر تناسب دارد تکبیر برای ورود به نماز، و تسلیم برای خروج از آن! ... در تکبیر، اکبر مناسب است... یعنی تمام امور دنیا و همه بزرگ ها را کنار بگذارید، چون خداوند متعال اکبر است... نماز گزار، با تکبیر، در حرم الهی وارد می شود؛ ولی ما چه می دانیم که اینها یعنی چه! در روایت است که: «لَوْ عَلِمَ الْمُصَلِّي مَا يَغْشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ، لَمَا انْقَلَبَ عَنْ صَلَاتِهِ؛ اگر نماز گزار می دانست که از جلال الهی چه چیزهایی او را فرا گرفته است، هرگز از نماز روی برنمی گرداند!» (32)

- ذکر خدا در حال نماز، بهترین ذکر است؛ چون نماز به منزله کعبه است؛ و نماز گزار در کعبه و حرم امن الهی داخل شده و بنا گذاشته است که از باب تکبیر، داخل و از (33). باب تسلیم، خارج شود

- در جایی دارد که: خدا مَنَّ گذاشته که امر فرموده است - مخلوق، با خالق خود خلوت کند و این منافاتی ندارد که در

مرآی مردم باشد. کانه وقتی بنده با خدا خلوت می کند،
خالق هم با او خلوت کرده است

بلی می شود انسان در نماز دست به دعا بردارد و بگوید: -
«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً؛ خداوندا، زن شایسته ای را
روزی من کن!» یا بگوید: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَدًا بَارًا؛ خداوندا،
(فرزند نیکوکاری را روزی من کن!» (35)

تبیان : منبع

:پی نوشت ها

. در محضر بهجت، ج 1، ص 222-1

. در محضر بهجت، ج 1، ص 222-2

3- 377 در محضر بهجت، ج 2، ص

4- 392 در محضر بهجت، ج 2، ص

نکته های ناب، ص 5- 78

. نکته های ناب، ص 6- 82

. نکته های ناب، ص 7- 83

. نکته های ناب، ص 8- 81

. نکته های ناب، ص 9- 83

10- 62 . به سوی محبوب، ص

11- 63 . به سوی محبوب، ص

12- 64 . به سوی محبوب، ص

13- 68 . به سوی محبوب، ص

14- 77 . به سوی محبوب، ص

. به سوی محبوب، ص 15- 77

. در محضر بهجت، ج 2، ص 16- 83

. برگگی از دفتر آفتاب، ص 17- 133

. برگگی از دفتر آفتاب، ص 18- 133

. برگگی از دفتر آفتاب، ص 19- 139

. در محضر بهجت، ج 1، ص 20- 122

. در محضر بهجت، ج 1، ص 21- 283

. به سوی محبوب، ص 22- 62

. فیضی از ورای سکوت، ص 23- 77

. به سوی محبوب، ص 24- 63

. به سوی محبوب، ص 25- 64

. نکته های ناب، ص 26- 82

. در محضر بهجت، ج 1، ص 27- 92

. در محضر بهجت، ج 1، ص 28- 350

. به سوی محبوب، ص 29- 70

. در خلوت عارفان، ص 30- 103

. نکته های ناب، ص 31- 83

. نکته های ناب، ص 32- 84

. نکته های ناب، ص 33- 84

. نکته های ناب، ص 34- 88

. فریاد گر توحید، ص 35- 213

▼ پدر شهید دانشگر: پسر من مقید به شریعت و فرائض بود و

هیچگاه ندیدم که #تماز اول وقتش ترک شود. همیشه به

این موضوع اهمیت میداد و خانواده را برای خواندن نماز
اول وقت تشویق و ترغیب می کرد

صدای اذان همیشه در تلفن همراهش پخش میشد. یادم
است پس از شهادتش، نیمه های شب که همه خواب بودند
با صدای اذان بی موقع از خواب بیدار شدم و به حیاط خانه
رفتم تا ببینم اذان مسجد است یا نه! علی الظاهر صدا از جای
دیگر بود که پس از جستجو تلفن همراه عباس را که در
چمدانش بود یافتم و آن صدای اذان از این تلفن بلند
می شد.

ساعت اذان مطابق بر ساعت شرعی منطقه حلب سوریه بود.
خدا را بخاطر این قربانی پاک شکر کردم و با خودم گفتم
«...یا قابل القربان»

راهی برای گناه نکردن

...امان نامه از گناه ﴿﴾

:امیرالمومنین علی (ع) فرمودند ﴿﴾ • □ ♥

هر کس نماز صبح را بر پا دارد و پس از نماز در ﴿﴾
جایش بنشیند و «سوره توحید» را یازده مرتبه قبل از طلوع
خورشید قرائت کند آن روز مرت کب گناه نم ے شود،
هر چند شیطان به سوی او طمع کند

«ثواب الاعمال، صفحه ۳۴۱» □

آقا نجفی قوچانی ضمن گزارش ماجراهای دوران طلبگی
:خود در اصفهان می نویسد

در این حجره تازه که حجره هامان وصل به هم بود از ...
میان طاقچه سوراخ نمودیم و ریسمانی در آن کشیدیم که
یک سر ریسمان در حجره رفیق بود و یک سر آن در
.حجره من

وقت خواب، آن سر را رفیق به پا با دست خود می بست و
این سر ریسمان را من به دست خود می بستم که سحر هر
کدام زودتر بیدار شویم دیگری را بدون این که صدایی
بزنیم، به توسط همان ریسمان بیدار کنیم که مبادا طلبه ای از
.صدای ما بیدار شود و راضی نباشد

کتاب #سیاحت_شرق ص 198

